

در صفحات آینده خلاصه ترجمه فارسی مقالات خارجی
این شماره از نظر خوانندگان میگذرد



- تنظیم و تحدید جمعیت از راهبهای اجتماعی و
نتایج تحقیق درباره ترکمن های شمال ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
- بررسی توزیع چند پدیده فرهنگی در منطقه
بختیاری (زاگرس مرکزی)

پرتال جامع علوم انسانی

سیستم و تحدید جمعیت از راه های اجتماعی

نتایج تحقیق درباره ترکمن های شمال ایران

نوشته ویلیام آیرونز

استاد دانشگاه جان هاپکینز

ترجمه: بابک قهرمان

مقدار زمین کافی باشد مردم برای برآوردن نیازهای خود به روش های سطحی کشاورزی دست خواهند زد و اگر بعثت تراکم جمعیت از لحاظ زمین کمبودی احساس شود، آنها برای مبارزه با کمبود مواد غذایی از روش های عمقی یا فشرده استفاده خواهند کرد. از اینرو، تنها مردمی به روش های کشت عمقی روی خواهند آورد که تراکم جمعیت آنها را دچار مضیقه کرده باشد. همراه با متراکم شدن جمعیت و کمبود زمین، به دوپدیده متداول برمی خوریم. اول اینکه، بین واحدهای سیاسی مقتدری که بدنبال زمینند جنگ در میگیرد، ولی جماعت مغلوب، دیگر قادر نخواهند بود که مانند گذشته بسوی زمین های دست نخورده دیگری فرار کنند. و دوم، که نتیجه ای از پدیده اول است، گروه های فاتح گروه های مغلوب را زیر دست سیاسی خود میگردانند. بدین ترتیب زمینه مساعدی برای یک لایه بندی متشکل از واحدهای سیاسی فراهم میشود. لیکن، دیگران معتقدند که بسیاری از جوامع، جمعیت خود را پائین تر از میزان تراکمی که باعث بوجود آمدن تغییرات مذکور در مدل هائی مانند مدل های نامبرده گشته است، ثابت نگه داشته اند.

(بندر ۱۹۷۱، بندیکت ۱۹۷۲، دوگلاس

در دهسال اخیر، مردم شناسان علاقه فزاینده ای به نقش افزایش جمعیت در تکامل فرهنگی و اجتماعی نشان داده اند. آنها تکیه در این زمینه مطالعه دارند همگی بجزعه ممدودی، این امر را که بین افزایش جمعیت و توسعه نظام های اقتصادی برآوردتر و اشکال پیچیده تر سازمان های اجتماعی و سیاسی رابطه ای وجود دارد، پذیرا شده اند. لیکن، وقتی که به مسئله علیت و علت و معلول میرسد تباین و ناهماهنگی آرام آغاز میگردد. عده ای از مردم شناسان استفاده از مدل ساده ای که رشد جمعیت را متغیری ثابت، و بعضی پدیده ها، مانند بهره برداری عمقی و فشرده تر از منابع اقتصادی، و سازمان های نوتر اجتماعی و اقتصادی را متغیرهای وابسته می انگارد، مفید اثر دانسته اند. (اسپونرا، ۱۹۷۲). مدلهائی این چنین، اغلب از تحقیقات استرپوسروپ^۲، اقتصاددان معروف که مدافع توسعه کشاورزی جوامع است، الهام گرفته اند. (بوسروپ ۱۹۶۵).

بنا بر عقیده بوسروپ، در کشاورزی سطحی و گسترده، بازده یک واحد کسار بیشتر از کشاورزی عمقی و فشرده است، ولی در عوض بازده واحد سطح در حالت اول کمتر از حالت دوم خواهد بود. این بدین معناست که اگر

۱۹۶۶، لی - دور ۱۹۶۸، پلگار ۱۹۷۲، و ریگلی (۱۹۶۹). نتیجه واضح اینستکه، عوامل رشد و تثبیت جمعیت اهمیت نظری فراوانی دارند. با این وجود دانشی که درباره آنها داریم زیاد نیست (بیکروساندرز، ۱۹۷۲: صفحات ۱۶۶-۱۶۷).

نظریه‌ای که اخیراً مورد توجه مردم‌شناسان و سایر علاقمندان به این مسئله قرار گرفته، فرضیه وین - ادواردز^۳ است (وین ادواردز، ۱۹۶۲، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵).

این فرضیه را دو دانشمند فوق در اصل برای گروه‌های حیوانی، پس از انقلاب کشاورزی فراهم آورده‌اند. ولی اصل فرضیه فوق اینستکه اگر کرسنگی از جمعیت گروه‌های حیوانی نگاهداری این گروه‌ها از طریق استفاده شدید و نابجای منابع غذایی خود بخود از بین خواهند رفت. گروه‌های حیوانی معمولاً برای جلوگیری از کرسنگی، با استفاده عمقی و فشرده منابع غذایی خود می‌پردازند، لیکن اگر این سوءاستفاده از حدی فراتر رود، منابع غذایی آنها کاهش یافته و بالمآل به نابودی مطلق می‌انجامد. این فرایند آشنائی است، چه، بعلمت شکار فشرده و بیش از حد بعضی وحوش باعث زوال و یا تقریباً زوال مطلق آنها شده‌ایم. بسیاری از گروه‌ها و جوامع حیوانی برای تنازع بقای خود از تدابیر گروهی (اجتماعی) استفاده برده‌اند که اندازه جمعیت آنها را پائین‌تر از سطح تراکم نامطلوب نگهداشته است. سطح تراکمی که موجب کمبود مواد غذایی و استفاده نابجا از منابع غذایی میگردد، رقابت برای بدست آوردن آشیانه و گنم، حاکمیت بر قلمماتسی از زمین، وجود سلسله مراتب و نظم ناشی از آنها، که همگی همراه با بالا رفتن تراکم جمعیت باعث بچه نیاوردن افراد بارور می‌گردند، مثالهایی از این مکانیسم اجتماعی (گروهی) هستند. از بین بردن جوانها، که خود موجب جلوگیری از بالا رفتن جمعیت میشود، در این مقوله جای می‌گیرد. چون بعضی از جوامع انسانی توانسته‌اند جمعیت خود را در تراکمی پائین‌تر از امکانات غذایی خود تثبیت کنند، این امر حکایت از آن می‌کند که

شاید برای این جوامع راه مشابهی برای مهار رشد جمعیت معمول باشد. بعضی از خصوصیات اجتماعی موجود در بعضی از اجتماعات، مانند رسم پپرداختن شیربمبسا، شوهرنکردن دوباره زنان بیوه، چند زنی، خود داری از برقراری روابط جنسی تامدتی بعد از زایمان و بچه‌کشی را می‌توان در همین ردیف دانست. (پلگار، ۱۹۷۲ صفحه ۲۰۹). لیکن، برای نشان دادن زمینه یک چنین خلیقیات اجتماعی مساعد برای این منظور به مطالعات تجربی درباره اثر واقعی آنها بر روی پویائی شناسی^۴ جمعیت احتیاج است. تنها براساس انجام چنین مطالعاتی است که مردم - شناسان می‌توانند فرضیه وین - ادواردز را ارزیابی کنند. فرضیه‌ای که میتواند راه‌گشای فهم بیشتر رابطه بین رشد جمعیت و تکامل فرهنگی باشد.

ما در این مقاله ترکمن‌های یموت شمال ایران را شاهدی بر فرضیه وین - ادواردز خواهیم گرفت و آنرا ارزیابی خواهیم نمود. ترکمن‌های یموت از دو نظر برای چنین تحقیقی مناسبند. اول اینکه، قبل از مهاجرت‌های وسیع اخیر افراد غیر یموتی به زمین‌های آنها، بعلمت پائین بودن تراکم جمعیت قسمت بزرگی از این زمین‌ها کشت نشده باقی می‌ماندند. و دوم، یموت‌ها دارای عادات و رسوم هستند که خود بخود میزان باروری را برای کاهش تراکم جمعیت پائین می‌آورد. لیکن، شاهد یا مثالی که آورده‌ایم قطعی نیست، و در این باره هنوز مطالعاتی در جریان است که نتیجه‌اش را خواهیم آورد. داده‌های موجود یموت‌ها را با توجه با فرضیه‌ای شبیه فرضیه وین - ادواردز ارزیابی کرده‌ایم. در حقیقت خواسته‌ایم نشان بدهیم که یموت‌ها با استفاده از بعضی رفتارهای اجتماعی خاص از متراکم شدن جمعیت خود جلوگیری بعمل می‌آورند. در ذیل، خلاصه‌ای از مطالعه خود را ذکر خواهیم نمود و درباره نتایج یک چنین تحقیقی بحث خواهیم کرد.

یموت‌ها

در شمال ایران دو دسته بزرگ ترکمن وجود دارد که یموت‌ها یکی از آنها و دومی گوکلان‌ها هستند این دو قوم در قدیم بصورت بدوی زندگی



L'habitation des Turkomans (Obbeh), leur costume et les enfants.

خانه‌های ترکمنی (اوبه)، پوشاک مردان و بچه‌های ترکمنی

دیم‌کنندم و جو در درجه اول، و پرورش گوسنند در درجه دوم می‌پرداخته‌اند. از دهه ۱۹۵۰ به بعد چمورها تولید پنبه را کار اصلی خود کرده‌اند. استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی و انجام آبیاری در نزد این گروه رواج کلی یافته است. محل زیست این دو گروه قبل از سال ۱۹۵۰ را در نقشه ضمیمه نشان داده‌ایم. محل زیست جمعیت غیر ترکمن ناحیه نیز برای همان دوره در نقشه مزبور آمده است. زبان عده‌ای از غیر ترکمن‌ها فارسی و عده‌ای دیگر ترکی است، ولی ترکمن‌ها هر دو دسته را ولایتی می‌خوانند. ولایتی‌ها از زمان قدیم بکارگشت آبی اشتغال داشته و همیشه ساکن بوده‌اند. اینها اکنون مانند چمورها به تولید پنبه مکانیزه برای مقاصد تجاری می‌پردازند.

می‌کرده و در چادرهای مشابه چادرهای قبایل آسیای مرکزی بنام «آق او» می‌زیسته‌اند، لیکن، اقتصاد آنها تماماً شبانی نبوده است، بلکه از این لحاظ و با توجه به نحوه تولید بدوگروه، چروا و چمور تقسیم می‌شده‌اند. چرواها که ساکن قسمت خشک‌تر سرزمین یموت هستند اغلب بطور شبانی می‌زیسته و هنوز هم می‌زیند. کار اینها بطور کلی پرورش گوسنند و گاهی اسب و شتر است. اینها، علاوه بر دامداری در گذشته بمقدار بسیار کمی گندم و جو می‌کاشته‌اند. در سالهای اخیر، چرواها بر فعالیت‌های کشاورزی خود افزوده و به زندگی خود انگاره ۶ نیمه اسکان یافته‌ای^۷ داده‌اند. امروزه بسیاری از کارهای کشاورزی اینها مکانیزه است. چمورها در قسمت پرآب‌تر منطقه ساکنند و در گذشته بیشتر به کار زراعت

فرضیه این مطالعه

براساس اطلاعاتی که در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ از مطالعه یک جامعه کوچک «خردجامعه» چروائی بعمل آمد، فرضیه‌ای درباره تنظیم جسمیت بوسیله رسوم اجتماعی بدست آمد. در ادامه این تحقیق، در آینده، داده‌های مشابهی را از خانوارهای نمونه یموت در قسمت‌های مختلف جغرافیائی منطقه جمع‌آوری خواهیم کرد. در حال حاضر تفاوت بین داده‌های فوق و داده‌های فعلی معلوم نیست. انتظار می‌رود که اجتماعات پیشرفته‌تر چمور تفاوت‌های زیادی نشان بدهند، لیکن گمان می‌رود این تفاوت‌ها تا آن حد باشد که بتوانیم فرضیه فعلی خود را به زیر محک آزمایش بیاوریم. ممبذا، یادآور

خواننده می‌گردیم که داده‌های زیر را ما کاملاً از یک خرد جامعه میانه‌رو و محافظه‌کار کرد آورده‌ایم که شاید از بسیاری جهات نماینده اوضاع فعلی یموت‌ها بطور کلی نباشد. اساس فرضیه در درجه اول سازمان‌های محلی و آداب و رسوم ازدواج در میان یموت‌هاست. بهترین راه تبیین یک چنین جنبه‌های زندگی اجتماعی یموت‌ها، مطالعه دوره‌گسترش گروه‌های محلی است. معمولاً این دوره از خانواده زن و شوهری مستقل^{۱۰} که از خانواده توسعه یافته پدری^{۱۱} جدا شده، شروع می‌شود تا خود به تکرار پدیده مشابهی بپردازد. معمولاً فرزند پسر وقتی که خود توانائی نان‌آوری یافت، از خانه پدری جدا می‌شود تا خانواده مستقلی



Les Turkomans près de leur logis.

ترکمنها در کنار خانه‌هایشان

را تشکیل دهد. این خانواده جدید، در ابتدا از نوع، زن و شوهری مستقل است که بمرور ایام، بالاخره به خانواده توسعه یافته پدری مبدل میشود. فرایند رشد معمولاً بتوسط تعداد بیشماری از هنجارهای دستوری ۱۲ کنترل می-گردد. مطابق این هنجارها، مثلاً پدر باید برای پسران خود بترتیب سن زن بگیرد و قسمتی از اموال خود را بعنوان شیربها بپردازد، و دیگر اینکه بر پدر است که چند سال پس از ترک

معمولاً بتوسط سه سال جدائی زن و شوهر پس از ازدواج بتأخیر می-افتد. پس از مراسم ازدواج، عروس و داماد دو یا سه شب را با هم می-گذرانند. پس از این دوره عروس به خانه پدر خود برمی-گردد و تا سه سال بعد که بخانه پدر شوهر باز می-گردد، حق برقراری هیچگونه تماسی را با شوهر خود ندارد. سال چهارم را نیز عروس بطور دائم در نزد شوهرش نمی-ماند، چه معمولاً به تناوب سه هفته تا یکماه را در خانه پدرشوهر



خانه‌های برکمنی در سلسله حمل و نقل آنان

Transport des habitations provisoires (Obbeh) des Turkmans.

فرزند از به پسران خود بترتیب سن سرمایه لازم را برای تشکیل گروه‌های مستقل واگذار نماید. از اینرو یک خانواده زن و شوهری تنها پس از چند سال می-تواند از لحاظ اقتصادی نیز مستقل باشد. فرایند تشکیل یک خانه و خانواده مستقل

و همین مدت را در خانه پدر خود می-گذرانند. از اینرو، یک زن اغلب تا چهار سال پس از ازدواج نقش زن تمام وقت را بازی نمی-کند. (در حال حاضر، جوامع پیشرفته یموت دارند این مدت جدائی را کاهش میدهند). در موازات استثنائی، در همین مدت کوتاه زن آبتن می-

شود. مراسم زفاف در دو یا سه شب پس از عقد زناشویی، (اگر این دو بسن بلوغ رسیده باشند) انجام می‌پذیرد. اگر آبستنی پیش آید، زن باید برای زایمان به خانه شوهر بازگردد، که این امر خود دوران جدائی را به پایان می‌رساند. در اینگونه موارد، همین عمل ممکن است در سال چهارم، یعنی دوره‌ایکه زن بین خانه شوهر و پدر در رفت و آمد است اتفاق بیفتد و دوران فوق را کوتاه کند.

لیکن، اینها موارد استثنائی‌اند و معمولاً داماد باید مدت سه سال برای یک دوره ازدواج یکسال بطور نیمه‌وقت و یکسال دیگر برای دسترسی به زن خود بطور تمام وقت در انتظار بماند. یکی از نتایج جدائی زن از شوهر اینستکه معمولاً مرد تا چهار سال پس از ازدواج خود صاحب فرزندی نمی‌شود. اغلب یک مرد بین چهارده تا بیست و پنج سالگی ازدواج می‌کند، و بین سی تا چهل سالگی صاحب خانه مستقلی می‌گردد. مرد با رسیدن به این استقلال، قسمتی از سرمایه پدر را که بصورت زمین و رسته است تصاحب می‌کند. مقدار سرمایه‌ایکه بدین ترتیب بشخص میرسد، به قضاوت پدر بستگی دارد، ولی معمولاً سمی می‌شود که به پسران خانواده ثروتی مساوی نصیب گردد.

در موقع ازدواج بسیاری از مردان هنوز بعنوان یکی از افراد خانواده تحت سلطه پدران خود هستند و از اینرو قرارهای ازدواج معمولاً بتوسط پدران عروس و داماد آینده گذاشته می‌شود. در تحت این شرایط شیربها بتوسط پدر داماد به پدر عروس پرداخت می‌گردد. اگر مردی مانند زن مردگان و یا آنکسی که بخواهد زوجات متعددی اختیار کند، خود مستقل باشد شیربها را شخصاً فراهم میکند و می‌پردازد. اگر پدر عروس مرده باشد، پول را معمولاً یکی از افراد ذکور خانواده پدری که معمولاً برادر اوست خواهد پرداخت. این قرار برای بیوه زنان و یا دختران فرق نمی‌کند و یکسان است.

قراردادها و سنت‌های محلی نوع پرداخت شیربها را محدود می‌سازند. شیربها را معمولاً بصورت رسته می‌پردازند، و وقتی زن و شوهری برای اولین بار ازدواج می‌کنند شیربها ده مال

است. مال در اینجا به يك حیوان بزرگ اهلی، شتر، اسب یا گاو اطلاق میشود. بسیاری از اوقات شیربها را «ده شتر» نیز می‌نامند. بعضی مواقع ده گوسفند یا ده بز را می‌توان جانشین يك مال کرد. علاوه بر ده مالی که به پدر عروس میرسد، يك مال اضافی مرسوم به پول اندرونی ۱۲ (ایچر پول) نصیب مادر عروس می‌گردد.

در مذاکراتی که برای پرداخت شیربها انجام می‌گردد دقیقاً نوع دام، یا معادل پولی آن یا تعداد میش، گوساله، بره، بز ماده، بز یکساله، یا بزغاله در مقابل يك مال تعیین میشود. گهگاه قسمتی از شیربها بصورت دام مانند شتر، اسب یا گاو و قسمت دیگر بصورت پول پرداخت می‌گردد. چگونگی این تقسیم‌بندی نیز از طریق مذاکرات به انجام خواهد رسید. اگر قرار پرداخت پول باشد، معمولاً ارزش جاری مال در بازار برای تبدیل بکار میرود. چون اگر شیربها بصورت دام پرداخت شود معمولاً دامهای نابالغ را نیز شامل میشود، ارزش حقیقی بازار يك چنین شیربها معمولاً کمتر از پرداخت نقدی خواهد بود.

درست است که معیار ده مال همیشه بر جای خود استوار است، ولی چون ارزش دام در بازار تغییر می‌یابد، لاجرم پرداخت نقدی شیربها نیز فرق می‌کند. چرواها قسمت اعظم شیربها را بصورت گوسفند و بز می‌پردازند. معادل پولی دام‌هایی که پرداخت می‌شوند معمولاً بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تومان است. در جنوب روخانه گرگان که مردم از زراعت مکانیزه‌ای برخوردارند، شیربها اغلب بصورت نقدی پرداخت می‌شود. ارزش دو مال با اضافه يك مال «پول اندرونی» در سال ۱۹۶۶ معادل ۱۲۰۰۰ تومان بوده است. این جای شگفتی ندارد، زیرا که منطقه از رونق اقتصادی بالاتری برخوردار است. آنهایی که بصورت شبانی زندگی می‌کنند، شیربهای نقدیشان معادل ۱۱۰۰۰ تومان است و این کمبود از قیمت پائین دام در این منطقه نتیجه میشود. بطور کلی هر چه قیمت دامی شیربها بیشتر باشد ارزش نقدی شیربها کمتر خواهد بود.

از اینرو، گرچه در ظاهر شیربها مقدار ثابتی دارد، ولی در اصل معادل یازده مال نسبت بزمان و مکان فرق میکند. ولی در مناطق فقیر منطقه، و در میان قشرهای فقیرتر جسامه یموت‌ها شیربها را در مذاکرات از حد معین پائین‌تر نمیتوان آورد. و نتیجه نهائی همیشه اینست که سن متوسط مرد برای ازدواج بسالا می‌رود. (تأثیر سن ازدواج در زنان پیچیده‌تر است و در ذیل مورد بحث قرار خواهد گرفت). داده‌های اقتصادی گروههای شبانی منطقه نشان می‌دهند که خانواده با ثروت میانه ۱۴ (بر حسب لایه‌بندی ثروت در گروهها) برای زن دادن یکی از پسرانش باید بین سه تا شش سال برای پرورش یازده مال بکوشد. البته این زمان، چون درآمد از سال بسالی دیگر فرق میکند متغیر است. برای خانواده‌های فقیرتر زمان فوق بسیار طولانی خواهد بود.

بغیر از عواملی که موجب تغییر شیربها می‌گردند، سابقه عروس و داماد نیز در این امر دخالت دارند. مقدار شیربها آنطور که در میان یموت‌ها متداول است در جدول شماره یک آمده است.

باید متذکر شد که در مورد ازدواج مرد زن‌سوده با زن بیوه شیربها گرچه متغیر است ولی همیشه بین ۱۴ تا ۱۷ مال است. از اینرو، یک چنین مردی بر سر انتخاب یک دختر باکره با ۲۰ مال و یک زن بیوه با ۱۴ تا ۱۷ مال مدتی ایندست و آندست میکند تا یکی را انتخاب نماید. در هر دو حال باید بیشتر از بار اولی که ازدواج کرد بپردازد - همانطوریکه بعداً خواهیم گفت معمولاً یک بیوه زن به سختی به ازدواج مجدد تن میدهد، از اینرو یک مرد زن‌سوده باید برای بدست آوردن یک بیوه زن کوشش وسیع و مطولی را بعمل آورد. بساید متذکر شد که اگر بیوه زنی شوهر کند فقط با مردان زن‌سوده و یا مردان زنده‌دار ازدواج میکند. (ازدواج بیوه‌زنان با برادر شوهر متوفی از این قاعده مستثنی است).

در مواقعی که ازدواج با بیوه زنان صورت می‌گیرد، زن و شوهر دیگر مراحل زندگی جدا از هم را طی نمیکنند. موقعی که یک دختر با یک مرد زن‌سوده ازدواج میکند، زندگی جداگانه بمدتی بسیار کوتاه، اغلب به حدود شش ماه تقلیل می‌یابد.

جدول شماره ۱

شیربها در میان یموت‌ها

(پول‌اندوزی)	شیربها	سابقه زن و شوهر
۱ مال	۱۰ مال	زن و شوهر هر دو برای اولین بار ازدواج میکنند
۱ مال	۲۰ مال	مرد زن‌سوده یا زن طلاق داده با دختر باکره
۱ مال	۳۰ مال	مرد زنده‌دار با دختر باکره
هیچ	متغیر	مرد زن‌سوده یا زن طلاق داده با زن بیوه
هیچ	متغیر	مرد زنده‌دار با زن بیوه

گفته میشود که طلاق در میان ترکمن‌ها وجود ندارد. آمار موجود روابط خانوادگی و خانوار - هزاره در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ بدست آمده نشان میدهد که میزان طلاق بسیار ناچیز بوده است. بعلمت لزوم شیربهای زیاد، مردان یموت گمگاه، با زنان دیگر ترکمن قبیله گوکلان (که به شش مال احتیاج دارد) و یا زنان روستائی غیر ترکمن (که به یک مال نیاز دارد) ازدواج می‌کنند. اینگونه ازدواج‌ها معمولاً بتوسط مردان زن‌مرد و یا مردان زن‌دار انجام می‌شود. علیهذا این نوع ازدواج‌ها از ۲ درصد مجموع ازدواج - های داده‌های ما (حتی ازدواج‌هایی که بتوسط سرک یکی از زوجین منع شده‌اند) فراتر نمی‌رود. ازدواج مجدد برای بیوه دارای اولاد مسائلی را بوجود می‌آورد. اغلب ملاحظه شده است که زنی در دوره جدائی از شوهر و یا در ماههای اول ازدواج قبل از بچه‌دار شدن، بیوه بشود. این چنین بیوه‌ها در هر حال باز ازدواج زن‌مرد - ها در خواهند آمد. لیکن اگر بیوه مزبور دارای اطفالی شده باشد قوانین زیست، هم برای او و هم برای اطفالش زندگی سختی را بوجود می‌آورد. در چنین شرایطی زن باید با شوهر و اطفال تا هنگامیکه برشد بدنی کافی رسیده‌اند ۱۵ با خانواده پدری خود زندگی کنند. یک چنین جدائی، هم برای مادر و هم برای اطفال مشکل است. و این، وضع سخت بیوه‌زنان منطبقه را نشان میدهد.

اگر شوهر زنی بمیرد، خانواده پدری زن قادر خواهند بود که او را به مرد دیگری شوهر دهند و شیربهای دیگری دریافت دارند. در عین حال، خانواده پدری شوهر متوفی محق خواهند بود که بچه‌های او را ضبط کنند. برای جلوگیری از جدا کردن مادر و بچه معمولاً تدابیر چندی وجود دارد. معمولی‌ترین راه حل دست کشیدن خانواده پدری زن از حق تصاحب اوست. علاقه به رفاه خواهر و بچه‌های خواهر اغلب انگیزه یک چنین عملی است.

لیکن، گمگاه پدر و یا برادران یک زن بیوه در صدد شوهر دادن مجددی برمی‌آیند. اگر چنین عملی صورت پذیرد، خویشاوندان پدری اطفال دخالت می‌کنند و بچه‌ها را از وی می‌گیرند. در چنین شرایطی اگر زن به ازدواج یکی از برادران

شوهر متوفی درآید مسئله جدا کردن بچه‌ها حل میشود. راه حل دیگر پرداخت غرامتی معادل با شیربهای احتمالی زن به خانواده وی است. این چنین غرامتی را «مال نشاندن زن» (ایترتما - مال) می‌خوانند. چون روحانیون ترکمن گرفتن «مال نشاندن زن» را حرام می‌دانند ازدواج با یکی از برادران شوهر معمولتر است. لیکن این راه بهتر از راه پرداخت غرامت نیست. چه با وجود ازدواج زن با برادر شوهر، وی جزو دائمی خانواده شوهر نمی‌گردد. در حقیقت، این گونه ازدواج‌ها اغلب با مردی صورت می‌گیرد که خود زن دارد. از طرفی شیربهای این گونه ازدواج‌های چندزنی از شیربهای ازدواج برادر شوهر ازدواج نکرده زن بیوه زیادتر نیست. و معمولاً زن و شوهر در چنین ازدواجی با هم همبستر نمی‌گردند و این از لحاظ جمعیت‌شناسی بمنزله اینسکه زن بیوه اصلاح‌شوهری نکند.

روش دیگر شوهر دادن زن بیوه به یکی از مردان خانواده پدری شوهر اول است. در چنین شرایطی، زن در زندگی شوهر نقش فعالی پیدا میکند. بطوریکه شوهر زن دیگری اختیار نمی‌نماید. موقعیکه شوهر جدید خانه جدیدی تشکیل میدهد. بچه‌های شوهر اول بخانه او می‌روند. اگر خویشاوندان پدری یک زن بیوه بخواهند او را بخانه خود برگردانند و خویشاوندان پدری فرزندان قادر به تأمین «پول نشاندن زن» یا شیربها برای ازدواج با یکی از برادران شوهر وی نباشند، زن در واقع می‌تواند در جایی دیگر شوهر کند و از بچه‌هایش جدا شود. لیکن، تا بحال متداول‌ترین راه حل برای زن بیوه، یا شوهر نکردن و یا ازدواج نکردن با یکی از برادران شوهر اول است. که از لحاظ جمعیت‌شناسی در حکم ازدواج نکردن محسوب میشود. داده‌های مربوط به اثر رسوم فوق (شیربهای زیاد و ثابت و غیرمتغیر و فاصله بین ازدواج و زندگی مشترک زن و شوهر) بر روی پویائی و تحرك جمعیت را می‌توان با توجه به مطالعاتی که بر روی بعضی از اجتماعات تبتانی منطبقه بعمل آمده است نشان داد. جدول شماره ۲، ترکیب سنی - جنسی جمعیت را نشان میدهد. جدول شماره ۳، تعداد جمعیت ازدواج کرده

ترکیب سنی و جنسی و وضعیت تاهل يك فرد جامعه چروائی

غیریموتی‌ها	یموت‌ها		سال
	زن	مرد	
	۸	۱۴	بالتر از ۶۰
	۱۴	۲۱	۴۵-۵۹
۱	۲۷	۳۱	۳۰-۴۴
۲	۵۷	۶۹	۱۵-۲۹
	۹۱	۸۴	۰-۱۴
۳	۱۹۷	۲۱۹	جمع

که قبلا نیز گفته شد، اگر ثروت خانواده‌ای کاهش یابد میزان شیربهارا فقط تا حد محدودی می‌توان پائین برد. در چنین شرایطی يك خانواده باید برای زن دادن پسر خود مدت طولانی‌تری صرف جمع‌آوری ثروت نماید. این را بخوبی میتوان از تفاوت سنی مردانی که برای اولین بار ازدواج می‌کنند دریافت. داده‌های مربوط به این موضوع که از ۱۳۳ ازدواج منعقدشده در میان چرواها بدست آمده در نمودار شماره ۱ رسم شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های فوق و تقسیم‌بندی ازدواج‌ها بر حسب ثروت مرد (و یا خانواده مرد) دال بر این حقیقت است که اختلاف میزان ثروت عامل اصلی تفاوت بین سن ازدواج است. اثر کاهش ثروت سرانه بر روی سن ازدواج زن؛ پیچیده‌تر است. بطورکلی سن ازدواج زن به ثروت خانواده بستگی ندارد و تغییرات آن مانند سن ازدواج مرد شدید نیست. (به نمودار شماره ۱ مراجعه شود). رسم معمول برای خانواده‌های فقیر براینستکه بمجرد پیدا شدن خواستگار مناسب دختر خود را بخانه شوهر

و نکرده را نشان میدهد. اگر زنان ۱۵ تا ۴۴ ساله این جدول را بارور محسوب داریم ۸۷ زن بارور در گروه وجود دارند. از این عده دو نفر بدلیل بیماری حذف میشوند و تنها ۸۵ زن سالم و بارور باقی می‌مانند. در موقع جمع‌آوری داده‌های این جدول، بیست نفر از اینها ازدواج نکرده و یا با شوهر خود همخانه نشده بودند. این بدین معناست که تقریباً ۲۳ درصد از زنان بارور و مناسب برای زن بودن با مردی زندگی نمی‌کردند. (این امر که یکی از زنان فقط به دلیل استثنائی با شوهر خود همخانه نیست تصویر کلی جدول را مخدوش نمی‌سازد). فرضیه‌ای را که از این داده‌ها نتیجه می‌شود می‌توان بصورت زیر خلاصه کرد: شیربهای زیاد و ثابت، یموت‌ها و رسم جدا کردن زن و شوهر برای چند سال اول ازدواج از میزان باروری زنان می‌کاهد، و هر چه میزان سرانه ثروت کاهش می‌یابد، رسوم فوق، شدت می‌گیرد و موانع ایجاد باروری زیادتر میشود. این بیشتر بعلمت ثابت بودن میزان شیربها است. همانطوری

جدول شماره ۳

ترکیب سنی و جنسی جمعیت یک گروه (جامعه) شبانی

وضعیت تاهل						سن	جنس
دارای پندزن	بیوه زنان، مردان زن مرده	دومین یا سومین همسر	اولین همسر	ازدواج کرده ولی جدا از همسر	مجرد		
۲	۳	۴	۵			۶۰ +	مرد
	۲	۶	۱۳			۴۵-۵۹	
	۱	۶	۲۳		*۱	۳۰-۴۴	
			۹	۵		۲۵-۲۹	
			۸	۹	۱۰	۲۰-۲۴	
			۲	۱	۲۵	۱۵-۱۹	
					۲۶	۱۰-۱۴	
۳	۳	۱	۱			۶۰ +	
۱	۴	۱	۸			۴۵-۵۹	
	۲	۲	۲۲		**۱	۳۰-۴۴	
		۲	۱۸			۲۵-۲۹	
			۱۸	۳	+ ۲	۲۰-۲۴	
			۳	۸	۵	۱۵-۱۹	
				۱	۲۲	۱۰-۱۴	

+ یکی از این افراد دیواره است

* مفلوجین

** مریض

بفرستند. ولی در مورد پسرها چنین نیست و چون اینجا باید شیر بهائی پرداخت شود در ازدواج آنها محدودیتی بوجود می‌آید. در اینگونه مواقع ترجیح داده میشود که ازدواج پسرها را بتعویق بیندازند و از پول تیر بهما بعنوان ثروت برای رونق کار خود استفاده جویند. از اینرو، سن ازدواج دختر را ثروت خانواده او تعیین نمی‌کند و حتی شیر بهای خواهران یک پسر فقیر نمی‌توانند سن ازدواج وی را جلو بیندازند. علیرغم گفته‌های فوق معمولاً کاهش ثروت سرانه در یک جامعه درون ازدواجی^{۱۵} (همانطوری که اغلب مناطق سرزمین يموت‌ها هستند) سن کلی ازدواج دختران را بالا میبرد، لیکن این تاثیر برای سن زنان با قشرها و ثروت‌های مختلف یکسان است. دلایل این امر را می‌توان در فرایندهای مربوط به جمعیت دانست. ترکیب جمعیت بر حسب سن، جنس، مجرد و یا متأهل بودن افراد، که اکنون در دست مطالعه است، با احتمال زیاد شبیه به ترکیب‌های بدست آمده برای یک گروه بخصوص موجود خواهد بود. (به جدول شماره ۲ مراجعه شود). اگر این چنین باشد جمعیت زنان بارور زیادی وجود خواهند داشت که ازدواج نکرده‌اند و با توجه به زمینه‌های اجتماعی آستان نخواهند شد بسامد^{۱۶} ازدواج زنان بدون شک با بسامد ازدواج زنان مساوی خواهد بود. بنابراین، کاهش ثروت سرانه بطور کلی از تعداد ازدواج‌ها میکاهد و از بسامد ازدواج و بارور شدن زنان بارور خواهد کاست. از طرف دیگر شماره زنانی که بعزت مرگت شوهر یا سرگت خود و یا وارد شدن بدوران یائسگی از متوله بارور بودن خارج میشوند از کاهش ثروت سرانه تبعیت نمی‌کند. نتیجه کلی اینکه کاهش دائم و بالای ثروت سرانه به کاهش کلی تعداد زنان بارور منتهی می‌گردد.

همانطوریکه بنظر میرسد، این امر موجب بالا رفتن سن متوسط ازدواج در زنان می‌گردد. منطقی، این موضوع نباید باعث تغییر سن متوسط ازدواج گردد، بلکه باید قسمتی از جمعیت زنان همیشه ازدواج نکرده باقی بمانند (در نتیجه میزان باروری پائین می‌آید). لیکن، این شرط که زن‌ها باید بهتر ترتیب سن ازدواج کنند الگوی

اولی را محتمل‌تر می‌گرداند. این بدان معنی است که اگر تراکم جمعیت از واحد سطح در میان يموت‌ها از حد توانائی منابع طبیعی (زمینهای زراعی و چراگاهها) فراتر رود بنحوی که از ثروت سرانه کاسته گردد، از میزان باروری نیز کاسته خواهد شد و میزان جمعیت تثبیت خواهد گردید.

باید متذکر شد که یک چنین مکانیسم تنظیم جمعیت فقط موقعی موفق خواهد شد که بتواند جمعیت را از میزان حداکثری که می‌تواند به توسط ثروت موجود اداره شود پائین‌تر نگهدارد، بعبارت دیگر در حقیقت آنچه که بوجود می‌آید حالت بسیار حساسی است که اگر از آن وضع بگذریم تعادل بهم می‌خورد، و در واقع موضوع یک هماهنگی دائمی برای ثروت‌های موجود در زمان‌های مختلف مطرح نیست.

این بدین دلیل است که ثروت در معرض نوسانات مداوم و کوتاه مدت قرار دارد و یک جامعه انسانی تعداد افراد خود را فقط باقیمت بسیار می‌تواند با نوسانات کوتاه مدت هماهنگ سازد. تنها راه انطباق متعادل، پائین نگهداشتن جمعیت تا به اندازه‌ایست که حتی در بدترین سالها، ثروت کافی وجود داشته باشد.

انطباق با شرایط تازه بکندی امکان‌پذیر است. بنابراین، فقط یک سال خشک، گرچه ممکن است باعث تأخیر چند ازدواج برای مدت کوتاهی گردد، ولی بطور درازمدت بر روی اندازه جمعیت تأثیر نخواهد داشت.

ولی اگر ثروت کلی گروه تغییر کلی کند یعنی اینکه افزایش و یا کاهش یابد، و برای یک دهه و بیشتر همانطور باقی بماند جمعیت بطور درازمدت تغییر خواهد کرد. اگر تغییر در جهت کاهش باشد، یعنی کاهش صورت گرفته باشد، این امر که جمعیت قبل از حدوث تغییر خیلی پائین‌تر از میزان حداکثر جمعیتی بوده که می‌توانسته از ثروت موجود زیست‌کنند الی احتمالاً وارده بر تغییر جمعیت را خنثی خواهد کرد.

این نکته نیز لازم بیادآوری است که یک افزایش درازمدت به افزایش جمعیت می‌انجامد. بنابراین در تحت شرایط موجود، رشد سریعی

مانند آنچه که اکنون مشهود است براساس فرضیه ذوق بوجود خواهد آمد. در واقع از سالهای اولیه ۱۹۵۰ تاکنون ثروت و جمعیت یموت‌ها رشد سریعی داشته‌اند. بنابراین، آزمایش فرضیه فوق در تحت شرایط فعلی باید در جهت تبیین این موضوع انجام شود که گروههای مختلف جامعه یموت که دارای ثروت‌های متفاوتی هستند، از لحاظ رشد جمعیت یکسان نیستند و جمعیت گروههای فقیر کثرت از جمعیت گروههای ثروتمند رشد می‌کنند.

بعلاوه باید متذکر شد که یک چنین راه تنظیم و کنترل جمعیت برحسب قالب‌های فرضیه ما، باید هماهنگ با نیروهای دیگری همراه باشند. از اینرو، یک چنین مکانیسم اجتماعی ممکن است که هماهنگ با میزان مرگ و میر بالای قبل از سالهای ۱۹۵۰ اثر بیشتری می‌داشت، ولی اکنون که شرایط بهداشتی بهبود یافته است اگر حدوث مکانیسم فوق مقدور نباشد این مسئله ایست که برای حل بدان باید تا حصول تحقیقات آتی حوصله کرد.

تحقیق در دست اجرا

هدف تحقیق در حال اجرا، جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌های مناسب خانواده‌ها برای آزمایش اعتبار فرضیه‌ای است که در فوق بتوضیح آن پرداختیم.

دو تحت گروه از یموت‌ها که عموماً درون ازدواجی هستند و از لحاظ ثروت دارای اختلاف بسیارند انتخاب می‌گردند. در هر گروه از خانوارها نمونه‌گیری بعمل می‌آید. بنظر می‌رسد که در گروه فقیرتر نسبت بالاتری از زنان زایا، ازدواج نکرده باقی‌مانند و از اینرو میزان تولد و تناسل سریعتر باشد. برای تعیین صحت و سقم این نظر، از نمونه‌های گرفته شده اطلاعات مربوط به ترکیب خانوارها با میزان تولد، مرگ، ازدواج و شرایط اقتصادی آنها در دهسال گذشته جمع‌آوری می‌گردند. اگر وقت اجازه دهد برای تعیین تقریبی شرایط جمعیت‌شناسی قبل از دهه ۱۹۵۰ یعنی قبل از بهبود شرایط بهداشتی از روی نمونه‌های کوچکتر خانوارها اطلاعات مربوط بدوره طولانی‌تری بدست خواهیم آورد.

داده‌های مشابهی نیز از گروههای غیر یموتی که از لحاظ آداب ازدواج و سازمان اقتصادی متفاوتند جمع‌آوری خواهد شد. این گروهها عبارت خواهند بود از ترکمن‌های گوکلان یعنی ولایتی‌ها که در همسایگی یموت‌ها می‌زیند و یکی از چند گروه کوچک ترکمنی که خود را اولاد می‌خوانند و معتقدند که از اولاد چهار خلیفه اول هستند.

برای تعیین اثر تغییرات ثروت و سازمان اجتماعی بر روی پویائی‌شناسی جمعیت در این گروهها، داده‌های استخراج شده این نمونه‌ها تجزیه و تحلیل می‌گردند و مقایسه می‌شوند. امید می‌رود که از مطالعه فوق معلوم شود که آیا تحت گروههای یموت مطالعه شده میزان جمعیت خود را برحسب فرضیه وین - ادواردز کنترل و تنظیم کرده‌اند یا خیر.

فرا سوی فرضیه وین - ادواردز

حتی اگر تحقیقات و بررسیهای فوق نابت کنند که فرضیه وین - ادواردز در مورد جمعیت بعضی از جوامع راست می‌افتد، هنوز مسئله رشد سریع و جهانی جمعیت تبیین نشده باقی‌مانند. در این حالت احتیاج به نظریه‌ای است که نقش پویائی‌شناسی جمعیت را در تطور فرهنگی تبیین دارد و در موارد کنترل موفقیت‌آمیز جمعیت و موارد رشد بیش از اندازه جمعیت صادق باشد. بگمان من، اگر به بعضی از مفاهیم ضمنی این نظریه بنگریم که انگاره‌های (الگوهای) فرهنگی و صور نهاده ۱۷ رفتار گروهی نتیجه یک فرایند طولانی متغیر و انتخابی هستند که باعث بوجود آوردن صور انطباقی^{۱۸} می‌گردند، متوجه خواهیم شد که یک چنین نظریه‌ای هم‌اکنون وجود دارد. (الانسد، ۱۹۶۷ صفحات ۱۷۷-۱۶۹ و کمپبل ۱۹۶۵). این نظریه براساس این فرضیه نتیجه شده است که بعضی از جوامع جمعیت خود را با کمک گرفتن از قراردادهای اجتماعی بنحوی کنترل می‌کنند و یا در گذشته کرده‌اند که امکان بقای درازمدت آنها بیشتر باشد. برای تجزیه و تحلیل دقیق این نظریه اساسی‌تر لازم است که فزونی جمعیت فعلی را از طریق مطالعه انطباق با تغییر شرایط سریع محیطی تبیین کنیم.

این نظریه بر این حقیقت استوار است که جوامع انسانی همیشه به گسروه‌های اجتماعی متعددی تقسیم می‌شوند که از بعضی لحاظ در رقابت بایکدیگرند. در محیط پیشرفته فرهنگی، گسروه‌های متشکل بزرگی وجود دارند که ملت خوانده می‌شوند. در این گسروه‌ها تعداد بیشماری گسروه‌های کوچکتر، سازمان‌های تجاری و کسب و کار، دانشگاه‌ها، افراد سیاسی و غیره و درپائین‌ترین سطح خانواده وجود دارد. در یک محیط ابتدائی‌تر، حاکمیت این گسروه‌ها متفاوت خواهد بود. بزرگترین احاد سیاسی را شاید اتحادیه‌های موقت چند ده تشکیل دهند که برای جنگیدن گرد هم می‌آیند. این گسروه‌ها بنوبه خود به تحت گسروه‌ها، باساخت‌های ساده و گسروه‌های انشعابی ۱۹ و گسروه‌های سکونتی ۲۰، و در سطح پائین خانواده‌ها تقسیم می‌شوند.

محیط انتخاب شده هر چه باشد، بازمی‌بینیم که جوامع در دوره‌های درازمدت برای صیانت خود از راه‌های مختلفی سود برمی‌گیرند. بعضی از خانواده‌ها از دیگر خانواده‌ها بزرگترند و از نسل بعد گسروه‌های بزرگتری را بوجود می‌آورند. بعضی از گسروه‌های انشعابی یا دهات بر اثر رشد و تقسیم‌بندی خود گسروه‌های انشعابی بسیاری را بوجود می‌آورند، در صورتیکه بعضی دیگر کوچک می‌گردند و گهگاه بطور کامل از بین می‌روند. در محیط‌های نو و امروزی، سازمان‌های تجاری و کسب و کار کم و بیش بطور مستقیم با هم درگیر می‌شوند بطوریکه بعضی توسعه می‌یابند و بعضی از بین می‌روند. گسروه‌های بزرگ سیاسی خواه ملت‌ها باشند یا گسروه‌های کوچک سکونتی یا قومی تمایل مشابهی را نشان می‌دهند. نا اندازه‌ای، یک چنین تمایل‌های گروهی متعارف، از رشد و یا کاهش جمعیت نتیجه می‌شوند، ولی چون افراد می‌توانند از گروهی به گروه دیگر روند و تمیز گروه دهند بسیاری از تغییرات فوق از طریق دیگر، یعنی از جذب افراد جدید بتوسط گسروه‌های در حال رشد و حذف افراد از گسروه‌های در حال زوال انجام می‌گیرد.

هر موقع یک گروه از خصوصیات برخوردار باشد که موجب توسعه آن و در فشار گذاشتن رقبایش گردد، فرایند انتخابی خاصی به‌گسترش

و نمو این خصوصیات پاری می‌دهد. این چه در مورد تکنولوژی نظامی که به‌سود گروه خاصی منجر میشود و چه در مورد اشکال خاص سیاسی متحدکننده عده مردم بیشتر، برای مقاصد جنگی، یا روش تولید اتوموبیل پنحوی که از دیگر تولیدکنندگان پیشی گرفته شود، یا کشور نوینی که ساخت کلی صنعتی آن تولید دیگر کشورها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد صادق است. وقتی تفاوت بین‌انگاره‌های رفتاری در رقابت‌های بین‌گروه‌ها بسود این یک گروه باشد، دوفرایند انتزاعی خاصی ممکن است مشهود گردند. در حالیکه گروه برنده خود بسط می‌یابد، گسروه‌های بازنده ویژگی‌های مفید گروه برنده را تقلید خواهند کرد؛ مهم نیست که کدام یک از دوفرایند فوق و یا هر دو آنها به‌وقوع به‌پیوندند، مهم اینست که از لحاظ تطور اجتماعی و فرهنگی نتیجه غائی یکی است؛ و آن اینکه در ضمن یک فرایند انتخابی به‌بعضی از اشکال یا صور اجتماعی و بعضی عوامل فرهنگی بطور مداوم بسط می‌یابند در حالیکه اشکال اجتماعی یا عوامل فرهنگی دیگری را عقب می‌زنند.

مهم اینست که اینگونه فرایندهای انتخابی هرچاکه بین‌گروه‌ها جدائی و رقابت بوجود می‌دهد بوجود می‌آیند و انتخاب در سطح بالا بر روی خصوصیات گسروه‌های سطح پائین تأثیر می‌گذارد. برای مثال: آندسته از رفتارهای اجتماعی که باعث کاهش باروری می‌گردند، اثر انتخابی مثبتی بر روی واحدهای کوچک اجتماعی - نظیر خانوارها یا خویشاوندان - نخواهند داشت، بلکه این اثر بر روی سطح بالا منعکس خواهد شد. نحوه کنترل و تنظیم جمعیت پنحوی که در فرضیه ما آمده است، می‌توان بمنسوان شاهدهی برای اهمیت انتخاب در سطوح مختلف مورد استفاده قرار داد. هرگونه نوآوری در رفتار اجتماعی یسودها که به‌باروری بالاتر بینجامد بسود دودمان‌های (خویشاوندیهای) کوچک خواهد بود. برای مثال، پائین آوردن چشمگیر شیربها و کوتاه کردن دوره جدائی زوجین در بعضی گسروه‌ها ممکن است خود نوعی نوآوری باشد. نتیجه فوری این فرایند بالا رفتن شدیدتر جمعیت در این گروه در مقیاس باگروه‌های رقیب خواهد بود. این

بنوبه خود موجب تمایل به انتخابی که متوجه نوآوری‌های فوق باشد، می‌گردد. توجه باین حقیقت مسکن است که دودمانهای دیگر همان قبیله را به تقلید این نوآوری وادارد که خود موجب انتخاب بیشتر نوآوری‌های نامبرده خواهد بود. لیکن، رشد جمعیت بر اثر این فرایند، اگر زمین و منابع اقتصادی آن محدود باشد موجب بوجود آوردن تعادل‌های نامطلوب در جمعیت، ثروت و منابع خواهد گردید. این به‌دلی بیشتر تغذیه و شیوع امراض و استفاده نامناسب از منابع طبیعی و کاهش قابلیت تولید این منابع منجر خواهد شد. یک چنین شرایط، قبیله‌ای را که از نوآوری‌های فوق استفاده می‌جوید در قیاس با قبیله‌ای که از این نوآوری‌ها بی‌خبر است در معرض خطر قرار میدهد. بنابراین انتخاب در سطح قبیله در جهت عکس و بازگشت به رسوم و رفتارهای قدیمی که در سطح قبیله‌ای انطباق و قابلیت قبول بیشتر و در سطح‌های پائین انطباق کمتری خواهند داشت عمل خواهد کرد.

لازم بتذکر است که صور یا اشکال انطباقی رفتار، حتی اگر مقلد چگونگی و چرایی این‌گونه انگاره‌ها را که از طریق تقلید اشاعه پیدامی‌کنند درک نکنند گسترش خواهد یافت. در مواجهه یک گروه برتر با یک گروه فراتر، گروه دوم از انگاره‌های رفتار گروه اول بدون اینکه این انگاره‌ها را بدرستی بفهمد، تقلید بعمل می‌آورد. این خود نیز در مورد مبدعان یک انگاره انطباقی تازه‌تر رفتار صادق است. این مبدعان ممکن است که رفتار جدیدی را بعلت اعتقاد غلط به نتایج احتمالی آن باب گردانند.

اینها بعداً بدون اطلاع از طرز عمل آن، از امتیازات این رفتار استفاده برند. گروه‌های دیگری که از گروه فوق تقلید می‌کنند نیز شاید چرایی مفید بودن رفتارهای تازه گروه اول را ندانند.

این شاید نشان دهد که چرا بسیاری از مردم بعضی از آداب و رسوم اجتماعی نو را، بدون توجه به جنبه‌های مثبت رفتارهای قدیمی و سنتی، و با برداشت‌های ناشی از فهم کاملاً غلط نتایج آن عمل میکنند. در جوامع پیشرفته، مردم اغلب

رفتارهای خود را با توجه با موازین و تحقیقات علمی توجیه می‌کنند. فایده فهم دقیق و علمی رفتارهای فرد در آنست که با تغییر شرایط، فرد مزبور قادر خواهد بود که با سرعت و موفقیت، به اصلاح رفتارهای خود بپردازد.

اگر بعضی قراردادهای اجتماعی بتوانند میزان جمعیت را کنترل و حد و حدود آنرا تنظیم کنند و این خود نتیجه‌ای از یک فرایند تطوری یا تکاملی انگاشته شود، این بدان دلیل نیست که یک چنین انتظاری را بتوان از تمام گروه‌ها در هر مقطع زمانی داشت. معمولاً قبول رفتارها همیشه بطور ناقص انجام می‌گیرند. به‌زود، موقدیکه گروهی بتازگی تغییر سیریمی را در محیط خود تجربه کرده باشد، اغلب انگاره‌های قابل قبول قدیمی دیگر مؤثر نخواهند بود و شرایطی از جمله رشد ناسالم جمعیت، یا رویدادهای نامناسب دیگر بوقوع خواهند پیوست.

توجه به مسائل فزونی جمعیت از دیدگاه نظریه فوق، با این نظریه مورد قبول عام که مسئله فوق بیشتر از بهبود شرایط بهداشتی نتیجه میشود تفاوت کلی دارد. نظریه دوم از این فرض نتیجه میشود که قبل از اشاعه پزشکی بطریق امروزی، امراض عامل اصلی تعدید جمعیت بودند. لیکن، دیدگاه نظری فوق، نظریه متفاوت زیر را ارائه خواهد کرد.

بسیاری از جوامع انسانی توانسته‌اند که بین جمعیت خود و شرایط اقلیمی محیط خود تعادل ثابتی را بوجود آورند. بنحوی که بین تعداد مردم و منابع غذایی تعادلی حاصل گردد. موانع اجتماعی باروری و امراض نقش مهمی در این فرایند بازی می‌کنند. اماء یک جامعه برای تنظیم و کنترل جمعیت خود از مکانیسم‌هایی استفاده می‌جوید که تنها برای محیط خود و آن جامعه مفید است. تغییر شرایط بهداشتی این مکانیسم‌ها را تغییر می‌دهند و این را همگی قبول کرده‌اند، ولی مکانیسم‌های دیگری هستند که اگر تاثیر آنها زیادتیر نباشد کمتر نیست، تغییرات اقتصادی میزان جمعیت و سازمان خانواده‌ها و سن متوسط ازدواج را تغییر میدهد که همگی بنوبه خود بر میزان باروری تاثیر می‌گذارند و تعادل

يك موقعيت ثابت را بهم می‌زنند. بهمین نحو، تغییرات اقتصادی، باعث تغییر الگوها (پس‌انگاره‌های) مهاجرت و در نتیجه بهم‌خوردن تعادل جمعیت‌شناسی می‌گردند. بسیاری از جوامع، بخصوص ملت‌های در حال توسعه، شاهد تغییرات مشابهی در تاریخ معاصر خود بوده‌اند، و نتیجه همیشه رشد ناسالم جمعیت در آنها بوده است. لیکن، اگر جوامع وقت کافی برای تطبیق خود با شرایط ثابت و جدید داشته باشد، اغلب وضع اجتماعی خود را چنان می‌کنند که جمعیت آنها بطور مطلوبی تنظیم گردد. شواهدی در دست است که اهمیت تنظیم و کنترل اجتماعی را بر روی میزان باروری جوامع قبل از ظهور پزشکی امروزین نشان میدهد. ریگلی در مطالعات خود باکمک داده‌ها و اطلاعات جمعیت‌شناسی نشان داده است که در اروپای قبل از صنعتی‌شدن موانع رفتاری ۲۱ (بیش از همه عقب‌انداختن سن ازدواج تا مدتی پس از بلوغ)، در عامل جمعیت اثر مهمی داشته است. داده‌های مربوط به جوامع فیراروپایی با اندازه داده‌های اروپایی در دسترس نیستند، ولی از آنچه که وجود دارد می‌توان فهمید که تصویر مشابهی وجود داشته است. استیون پولگار با استفاده از منابع و مأخذ محدود مردم‌شناسی غیر اروپایی به نتایج مشابه با نتایج ریگلی دست یافت. اینگونه داده‌ها، همانطور که پولگار نیز متذکر می‌گردد، مسعت این گفته که قبل از انقلاب پزشکی امراض عامل تحدید جمعیت بوده‌اند در معرض تردید قرار می‌دهد.

بنابراین، مأخذ و منابع نشان میدهند که موانع اجتماعی بر روی رشد جمعیت و پویایی-شناسی آن در دوره‌های قبل از صنعتی‌شدن تأثیر فراوان داشته‌اند، فقط اثر این موانع در سطح جهانی در قرن اخیر کسم بوده است. کردار و رفتارهای اجتماعی را مردم آگاهانه بعلمت ترس از فزونی جمعیت و افراط در بهره‌برداری از منابع بوجود نیاروندند و هنوز هم نمی‌آورند. این آداب و رفتارها از هنجارهایی بوجود آمدند که شایستگی افراد را برای بچه‌دارشدن تعیین می-کردند و سن و شرایط اجتماعی بچه‌آوری و فاصله بین بچه‌ها و ترکیب جنسی بچه‌ها را معلوم

می‌داشتند (پولگار، ۱۹۷۲). لیکن، همانطور که گفته شد، آگاهی از ارزش این رفتارها اثری بر روی رقابت و اشاعه آنها نداشتند و برای آنها ضرورتی نبود.

از تمام این گفته‌ها برمی‌آید که باید مدل‌های بوسروپ را با مدل‌های پیچیده‌تری که بتوان تغییرهای فرهنگی را بر روی متغیرهای جمعیت-شناسی تأثیر داد، عوض کرد (دوموند، ۱۹۶۵) و در نظر داشت که حداقل در تحت بعضی شرایط، سواى شرایط امروزین تحدید اجتماعی باروری، برای بوجود آوردن يك تعادل ثابت و سالم بین جمعیت و منابع، تأثیر بسیار دارد (پولگار ۱۹۷۲).

سیاستها

باید متذکر شویم که البته نظریه فوق حتی اگر درست از آب درآید، نتایج خوش‌بینانه آن نباید به این عقیده منجر شود که فزونی جمعیت مسئله‌ای نیست و دولت‌ها نباید برای جلوگیری از انفجار جمعیت اقداماتی بعمل آورند و برنامه‌هایی داشته باشند. شرایطی که مطابق فرضیه ما جمعیت زیاد از حد را بوجود آورده‌اند (یعنی شرایط حاصله از تغییرات اقلیم‌شناسی شدید) در آینده نیز بوجود خواهند آمد، و حتی اگر تمایلی در جهت خلق يك تعادل سالم بین جمعیت و منابع وجود داشته باشد، احتمال رشد ناسالم جمعیت موجود خواهد بود. اگر وجود چنین تمایلی به اثبات برسد، تازه آنوقت نتیجه خواهیم گرفت که باید این عامل شناخته و در برنامه‌های تحدید جمعیت بکار گرفته شود و برای بسط آن چاره‌اندیشی گردد. این بدین معناست که برای کنترل و تنظیم جمعیت باید از سیاست‌های گسترده‌تری استفاده بعمل آورد.

مثلاً، اگر اثر انگاره‌های رفتار اجتماعی موجود بر روی پویایی‌شناسی جمعیت يك منطقه بخصوص شناخته شوند، آنوقت پیش‌بینی نتایج جمعیت‌شناسی حاصل از تغییرات بخصوص اقتصادی و اجتماعی آسان خواهد بود. برای مثال، در يك جامعه کشاورزی، خرده‌مالکان برای جلوگیری از خردشدن زیادتر زمین‌های خود بیشتر در صدد تحدید مولید برمی‌آیند تا کارگران

بدون زمین کشاورزی که اولادزیادتر آنها موجب سردرآمدی بیشتر برای آنها خواهد بود. این بدان معنی است که - اصلاحات ارضی خود عامل مهمی در کنترل و تحدید جمعیت خواهد بود. در مورد پراکنده کردن و اسکان قبایل چادرنشین و تبدیل آنها به خرده مالک تاثیر مشابهی ممکن است بدست آید. ماحصل کلام اینکه با فهم بیشتر رابطه بین تغییرهای اجتماعی و اقتصادی، از طرفی، و تغییرهای جمعیت‌شناسی از طرف دیگر، می‌توان برای جلوگیری از رشد ناسالم جمعیت، از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی کمک گرفت. در حال حاضر اغلب تدابیر تحدید جمعیت به کوچک کردن خانواده‌ها و استفاده از وسایل داروهای ضد آبستنی محدود بوده است. می‌توان اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را با این تدابیر تنفیق نمود و در نظر داشت که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی خود باعث کوچک کردن خانواده‌ها خواهند شد. وقتی که کوچک کردن خانواده‌ها بتوسط مردم مقبولیت یابد، فهم زمینه‌های اجتماعی میزان باروری در یک منطقه بخصوص، برای کاستن باروری راه حل‌های جدیدی را بوجود خواهد آورد. مثلاً اگر در یک ناحیه خاص، سنت‌های اجتماعی استفاده از تدابیر ضد آبستنی را برود و عقب‌انداختن ازدواج بدلیل اقتصادی را مقبول بدانند، کوشش در جهت عقب‌انداختن ازدواج نسبت به استفاده از داروها و وسائل ضد آبستنی بیشتر مفید اثر خواهد بود. اینها با وجود اینکه بیش از چند مثال نظری چیز دیگری نیستند، ولی با تمام این احوال نشان میدهند که فهم کاملتر رابطه بین رفتارهای اجتماعی و پویائی‌شناسی جمعیت برای حل مسئله جمعیت می‌تواند ارزش زیادی داشته باشد (پرنلگار، ۱۹۷۲).

چکیده بحث‌های فوق اینست که دانش ما از روابط بین رفتارهای اجتماعی و جمعیت ناقص است و هرگونه کسب دانش جدیدی در این مورد، از ارزش‌های بسیار تجربی و نظری برخوردار خواهد بود. علاوه براین نکته از بحث فوق نیز برسی‌اید که فرضیه وین - ادواردز می‌تواند راهنمای مناسبی برای کسب دانش‌های نامبرده باشد.

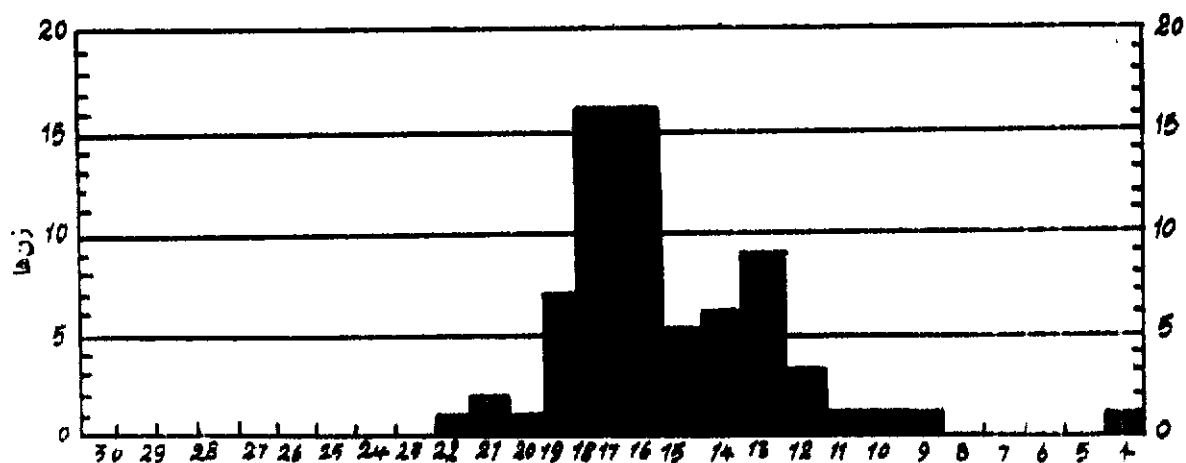
بسیاری از جوامع روستائی کشورهای در حال توسعه، مانند یموت‌ها در فرایند تغییرات سریع افتاده‌اند. در آینده، رفتارها و آداب اجتماعی فوق مسلماً در پوته فراموشی خواهند افتاد و تغییر زیادی خواهند کرد. بالابردن سطح سواد و منزلت اجتماعی زنان در دهات، روسمی از قبیل پرداخت شیربها و عقب انداختن زندگی مشترک زن و شوهر را منسوخ خواهد کرد.

در این صورت، یموت‌ها و گروههای نظیر آنها برای حفظ تعادل بین ثروت و جمعیت راههای جدیدی پیدا خواهند نمود. اگر دولت‌ها با فهم و درک بیشتر رابطه بین رفتارهای اجتماعی و پویائی‌شناسی جمعیت، به اجرای برنامه‌های توسعه خود بپردازند، کمکی که به گروههای شبیه یموت‌ها در انتقال این مرحله به مرحله بعدی می‌کنند مؤثرتر و کارآمدتر خواهد بود.

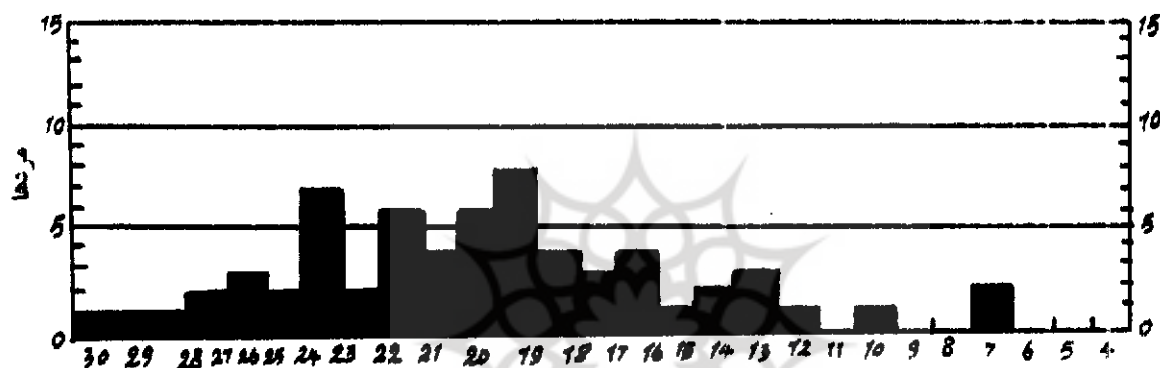
- 1- Spooner.
- 2- Boserup.
- 3- Wynne-Edwards.
- 4- Dynamics.
- 5- Goklan بود کردن.
- 6- Pattern
- 7- Semi-Sedentary.
- 8- Community.
- 9- Developmental Cycle.
- 10- Nuclear family.
- 11- Patrilineal extended family.
- 12- Prescriptive norms.
- 13- Inner money.
- 14- Median Wealth.
- 15- Endogamous.
- 16- Frequency.
- 17- Institutionalized forms.
- 18- Adaptive forms.
- 19- Descent groups.
- 20- Residence groups.
- 21- Behavioral checks.

دیاگرام شماره ۱

سن زناشویی در بررسی مربوط به ۱۳۳ نفر از افراد قوم چروا



تعداد افرادی که در هر سن ازدواج کرده‌اند

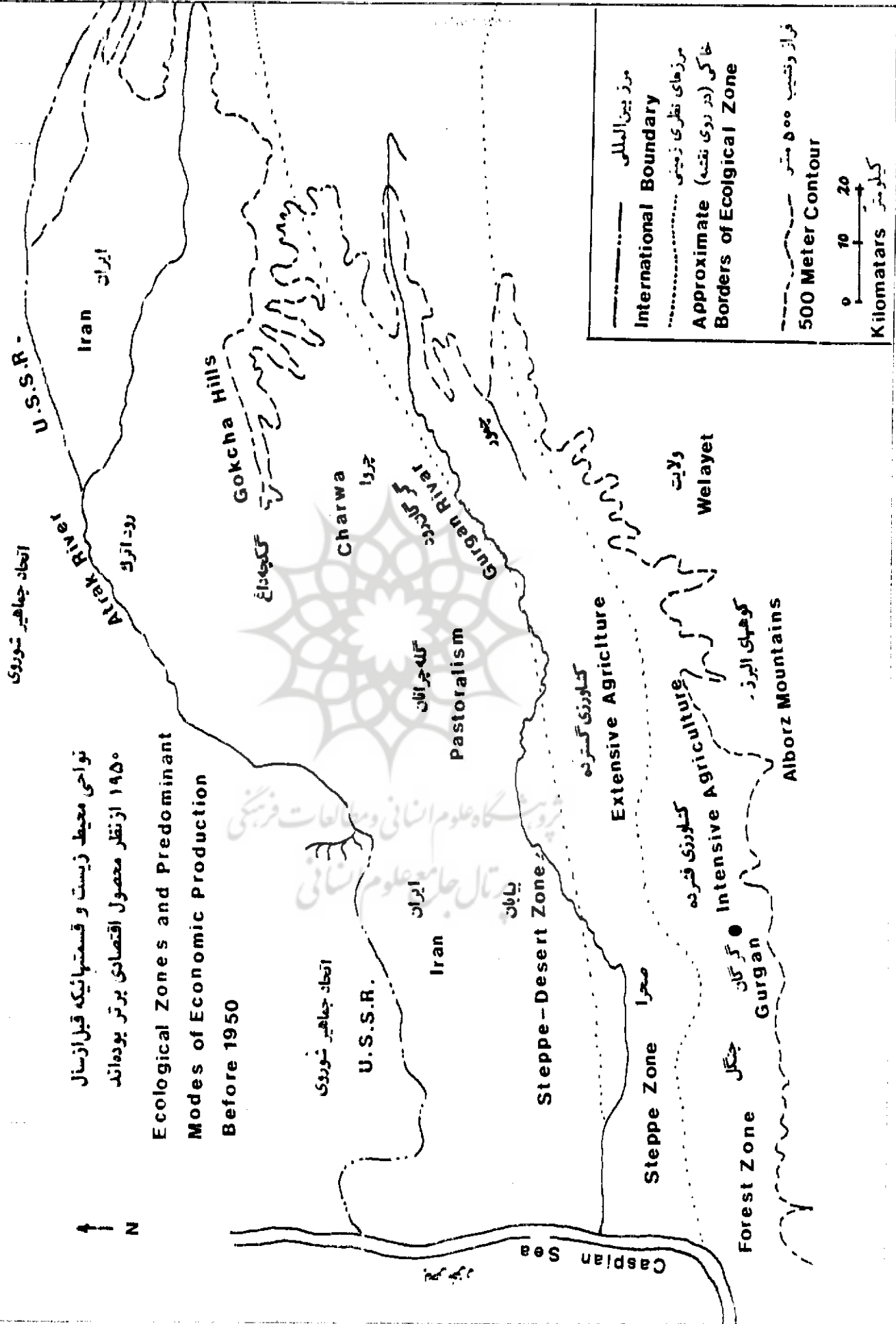


سن اولین زناشویی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نواحی محیط زیست و قسمتهایکه قبل از سال ۱۹۵۰ از نظر محصول اقتصادی برتر بودهاند

Ecological Zones and Predominant Modes of Economic Production Before 1950



مرز بین المللی
International Boundary

مرزهای نظری زمینی
Approximate Borders of Ecological Zone

فاصله و نشیب ۵۰۰ متر
500 Meter Contour

۰ ۱۰ ۲۰
کیلومتر
Kilometers